

Historical sociology prostitution of women in the safavid period

Shahab shahidani*, **Mahshid sadat eslahi****

Matin sadat eslahi***

Abstract

Limitations on moral abnormalities has made all the historical dimensions of this less social phenomenon to be recorded. However beyond the scattered information in the safavid historiography, most prostitute reports, presented in European travelogues. But that kind of information as well there are emotional and ethical reports of this social behavior. The purpose of this article is to make the following points, investigating the social life of prostitutes in the safavid ere. So the status of the prostitutes, pay attention to social behaviors and the kind of attitude of kings and kings and members of society with this group economic issues and related occupations and occupation, whores and even places their diseases have been taken into consideration. The findings of the study overcome the patriarchal view about the definition of prostitution and its limits it also shows the economic function of prostitutes in both the personal and the state.

Keywords: prostitution, women, cinsiyet, historical sociology, safavieh.

* Assistant Professor, History Department. Lorestan University (Corresponding Author),
SHAHIDANI.SH@LU.AC.IR

** master of history of iran, university of Esfahan, mahshideslahi@yahoo.com

*** master of history of iran, university of Esfahan, matineslahi@yahoo.com

Date received: 19/12/2019, Date of acceptance: 08/06/2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تبیین رویکرد جامعه و علل رواج روسپی‌گری زنان در عصر صفوی

شهاب شهیدانی*

مهشید سادات اصلاحی**، متین سادات اصلاحی**

چکیده

منع و محدودیت شدید درباره ناهنجاری اخلاقی روسپیگری باعث شده است که ابعاد تاریخی این پدیده اجتماعی، کمتر ثبت و ضبط شود. گذشته از اطلاعات پراکنده در تاریخ‌نگاری عصر صفوی، بیشتر گزارش‌های مربوط به روسپیان، در سفرنامه‌های اروپاییان ارائه شده است اگرچه این نوع اطلاعات نیز گزارش‌های هیجانی و قضاوت اخلاقی از این رفتار اجتماعی است. مسأله محوری این مقاله، بررسی حیات اجتماعی روسپیان در عصر صفوی از منظر تاریخ اجتماعی و نیز علل رواج روسپیگری در دوره صفوی است. در حالی که حیات و منزلت متغیر اجتماعی روسپیان به نوع رفتار آحاد جامعه و مخصوصاً سیاست شاهان صفوی با این گروه، مشاغل و حرفه‌های مرتبط با آنها، اماکن و بیماری‌های روسپیان مربوط است در شق دوم، یافته‌های پژوهش حاکی از غلبه نگاه مردسالارانه درباره تعریف و کارکرد روسپیگری و ابعاد آن، ناکارآمدی عملی نظام فقهی و مذهبی صفویان در حل مسأله روسپیگری، خواست و میل جنسی و برتر دربار و حتی جامعه صفوی

* استادیار و عضو هیئت علمی، گروه تاریخ، دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)،

SHAHIDANI.SH@LU.AC.IR

** کارشناسی ارشد، تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه اصفهان، mahshideslahi@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد، تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه اصفهان، matineslahi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۹

درخصوص این پدیده است. در مورد اخیر منافع اقتصادی هم برای روسپیان و هم حکومت صفویان نقش مهمی را ایفا نموده است.

کلیدواژه‌ها: روسپی‌گری، زنان، جنسیت، دوره صفویه، مردسالاری.

۱. مقدمه

روسپیگری یا تن‌فروشی، پدیده‌ای است که از کهن‌ترین ادوار حیات بشر در جوامع انسانی وجود داشته است. اگرچه این پدیده تاریخی امروزه از حیث مطالعات جامعه‌شناسی موردتوجه قرار گرفته است اما در نوع مطالعات تاریخ اجتماعی این ناهنجاری اجتماعی در منابع تاریخی، بازتاب کمی داشته است. در عین حال با توجه به روابط و تفاوت‌های فرهنگی ایران و غرب، این امر در سفرنامه‌های اروپائیان به‌وفور گزارش شده است. بنابر گزارش‌های موجود در عصر صفوی، روسپیگری دامنه وسیعی از دربار و نظامیان تا توده مردم را شامل شده است. اگرچه مؤلفه‌های دخیل در روسپیگری چندان واضح بیان نشده است و نیز مسائل اقتصادی مرتبط با آن، اماکن و مشاغل مرتبط، نظر و عملکرد جامعه عصر صفوی و ساختار سیاسی دربار نسبت به این پدیده نیز به‌طور یک‌جا موردتوجه قرار نگرفته است. مخصوصاً درباره تمایل دربار به روسپیگری، چندان گزارش و تصریحی از جانب تاریخنگاری عصر صفوی دیده نمی‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در این موضوع چندان گسترده نیست و گویی به واسطه همان محدودیت‌ها و سرپوش نهادن محققان و مورخان، کمتر به اصل و اهمیت و تنوع علل موضوع پرداخته شده است و لذا بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر و به صورت گذرا و کوتاه می‌باشد. در پژوهش‌های عام صفوی پژوهی «زندگانی شاه عباس اول» اثر فلسفی به روابط جنسی دربار صفویه پرداخته است. قلی زاده در مقاله «نگاهی جامعه‌شناختی به موقعیت زنان در عصر صفوی» (۱۳۸۳) با نگاهی تاریخی، جامعه‌شناختی به بررسی وضعیت خانوادگی، اجتماعی و سیاسی زنان به عنوان شناخت کلیشه‌های جنسیتی می‌پردازد. کاظمی در مقاله «بررسی علل و پیامدهای گسترش فحشا در دوره صفویه» (۱۳۹۳) به آمار فحشا در دوره صفویه اشاره می‌کند که مهاجرت اجباری اقوام

مناطق شمالی به ایران سبب رواج برده‌داری و سوء استفاده جنسی شد. مورد اخیر تنها یکی از علل رواج روسپیگری است. دنیاری در مقاله «وضعیت اجتماعی زنان در دوره صفویه با تکیه بر دیدگاه سفرنامه‌نویسان» (۱۳۹۴) به مسئله وضعیت اجتماعی زنان دربار مانند سرگرمی، پوشش و فعالیت‌های اقتصادی پرداخته است. رستمی و قنوتی در پژوهش «بررسی تطبیقی عملکرد شاهان صفویه در مقابله با منکرات» (۱۳۹۵) به مقوله نحوه برخورد پادشاهان صفویه با مفاسد اجتماعی از منظر دین اسلام پرداخته که نشان داده است، نگرش‌های شخصی و سیاسی پادشاهان در این مقابله‌ها بی‌تاثیر نبوده است. گسّمونی در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت اقتصادی زنان در عهد صفویه از منظر سفرنامه‌نویسان خارجی» (1395) به جنبه‌هایی از وضعیت اقتصادی زنان ایرانی در عصر صفویه می‌پردازد و در اشاره‌ای کوتاه از روسپیگری به عنوان مشاغل پست یاد می‌کند. در مجموع، بررسی جایگاه و نقش زنان در موضوع نگره‌های عصر صفوی عمدتاً معطوف به ظواهر پوشش و البسه زنانه و وجوه لطافت و نازکی قلم در نگره‌هاست تا اهمیت عنصر هویت جنسی زنان. معضل دیگر در این سنخ از پژوهش‌ها؛ فاصله میان نظریه و روایت تاریخی است در واقع قبل از انطباق هر نظریه‌ای باید به کافی بودن و درست بودن و حجم روایات تاریخی توجه داشت از این رو به نظر می‌رسد که پاره‌ای از نظرات در حوزه تاریخ جنسیت یا زنان عصر صفوی، فاقد دقت و مطالعه تاریخی است و سریع‌تر از حد انتظار به نظریه پرداخته‌اند. در پژوهش‌های تاریخی نیز بیشتر جنبه توصیفی و گردآوری اطلاعات و فاقد جنبه تحلیلی است. در مجموع، پژوهش‌های مربوطه با دو نگاه توصیف روابط جنسی و عنصر غیراخلاقی در روسپیگری، موضوع را به طور پراکنده و اجمال بررسی کرده‌اند. لذا در مطالعات تاریخ اجتماعی این دوره، توجه به علل چندگانه و رجوع همزمان به منابع تاریخی و سفرنامه‌ها لازم است. امری که در پژوهش‌های ارائه شده کمتر به چشم می‌آید. این پژوهش با روش توصیفی با رویکرد تاریخ اجتماعی درصدد بررسی پدیده روسپی‌گری در عصر صفوی است. تلاش شده است تا ضمن بررسی اجتماعی این پدیده در عصر صفوی، علل رواج روسپیگری در این دوره را با عطف به خواست اجتماعی، ناکارآمدی قوانین شرعی، غلبه نظام مردسالارانه و مهمتر از همه میل و اراده سیاسی دربار در رواج این پدیده مورد بررسی و تحلیل تاریخی قرار گیرد.

۳. روسپی کیست؟ روسپی‌گری (prostitution) چیست؟

روسپی در لغت به معنای زنی استبدکاره که در برابر دریافت مزد و اجرت، خود را برای کام‌جویی در اختیار مردان می‌گذارد (صدری افشار، ۱۳۹۴: ۸۹). طبق تعاریف جامعه‌شناسی «روسپی، زنی است که بدون رعایت ضوابط قانونی و شرعی و به عنوان حرفه، امرار معاش و کسب درآمد، در برابر دریافت پول، کالا هدیه، مقام و موقعیت و یا امکاناتی، با تن خودش خدمات جنسی‌اش از یک نفر به دیگران ارائه می‌دهد. در واقع روسپیگری یک پدیده و رفتار ضداجتماعی است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵: ۳۵ و فرجاد، ۱۳۸۸: ۲۹۷). لذا روسپی‌گری یک رابطه جنسی تلقی می‌شود که براساس معامله، در خارج از مناسبات زناشویی و با بی‌تفاوتی عاطفی صورت می‌گیرد. روسپیگری را همخوابگی در برابر پول تعریف کرده‌اند. اگر این همخوابگی میان یک زن و تنها یک مرد (زن‌دار) به مدتی طولانی باشد، مردی که پشتوانه اقتصادی اصلی زن نیز باشد، آنگاه چنین زنی را معمولاً معشوقه گویند. از این تعریف به روشنی برمی‌آید که تعریفی مرد-مدار است (فلور، ۲۰۱۰: ۱۵۸).

آنچه در تعاریف روسپیگری مشترک است دریافت وجه پول در ازای تندان به رابطه جنسی است. در منابع دوره صفویه به خصوص سفرنامه‌ها از روسپیان با نام قحبه (Kahbeha) یاد می‌شود. در حکایات کتاب سفینه فطرت اثر معزالدین موسوی قمی متخلص به فطرت که در اواخر سال‌های سده ۱۱ قمری مدتی در اصفهان، مشهد و هندوستان سکونت داشته است (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۶۶۸-۱۶۶۹) لفظ قحبه تنها یک بار در یک داستان از زبان زنی ساده لوح برای تصویر خودش که در آب چاه افتاده بود به کار رفته که بار معنایی منفی را برای زن در را بردارد (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۴). اگرچه تعریف روسپی‌گری با توجه به دوره تاریخی و تنوع اجتماعی آن، تحت ضوابط حقوقی، اجتماعی و مذهبی خاصی است اما به هنگامی که در روسپیگری، رابطه جنسی با رابطه اقتصادی آمیختگی پیدا می‌کند (تن دادن به عمل جنسی در مقابل دریافت پول) می‌توان آن را از رابطه آزاد جنسی تمایز کرد (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۷۴-۱۷۵). در عین حال تعیین حد و مرز میان این دو صورت از رابطه جنسی بسته به تنوع‌شان دشوار است. هنگامی که ارتباط این دو پدیده در جامعه مورد بررسی قرار داده شود متوجه خواهیم شد که این دو در بسیاری از موارد مکمل یکدیگر به حساب می‌آیند (morali-danino, ۱۹۷۸: ۵۵-۵۶) کسانی که مبادرت به

عمل روسپیگری می‌کنند، روسپیگری را نوعی حرفه می‌دانند که گاهی «ایدئولوژی خدمت» را پذیرفته و ادعا میکنند تدارک‌کننده یک خدمت اجتماعی برای مشتریان حساب می‌شوند (bhushan, 1994: 247) در جامعه‌شناسی انحرافات به پدیده فحشا (روسپی‌گری) به‌عنوان ناهنجاری اجتماعی نگاه می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۱۸). در متون تاریخی، فولکور و ادبیات اشاره شده است که روسپیان، بیماران کسب لذت جنسی هستند (nymphomanics) لذا با تعاریف یادشده، روسپیگری ریشه‌های عمیق در زندگی اجتماعی، روان‌شناختی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه‌ای دارد و از لغزنده‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که کنترل قانونی و اعمال بر آن نفوذ چندانی ندارد (Jiu, 2012: 327) بنابراین آنچه پدیده روسپیگری را از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت می‌کند، نوع، شکل آن و نحوه برخورد جوامع مختلف با این پدیده می‌باشد (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵: ۲۷). برای تحلیل این موضوع، درک جنسیت به‌منزله واقعیتهای انسانی-اجتماعی، به چهارچوبی تحلیلی از نظام اجتماعی نیازمند است.

مقوله جنسیت زن، بر ساختی اجتماعی-تاریخی است که فروشنده یا تدارک‌دهنده کار جنسی بوده و مقوله مرد نیز برخوردار از این تعامل که برحسب روابط نابرابر قدرت تعریف می‌شود، لذا بررسی این وضعیت در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه‌ای، حدود زنانگی را تعیین می‌کند. استفاده از اصطلاح زن بد و خوب (عفیف/بدکاره، فرشته/روسپی) در جوامعی که بر پایه مرد و پدرسالاری قوانین و مقررات وضع شده است نشانگر سلطه جنس مذکر بر مونث است که می‌تواند در جامعه اطلاق عنوان غیراخلاقی و لابلالیگری بخورد (محمدی اصل، ۱۳۹۶: ۲۳۶). لذا در جامعه‌ای که تفاوت آدمیان به جنسیت است، ناهمسانی و نابرابری رخ می‌دهد، جنس دیگر نسبت به دیگری در رده پایین‌تری قرار می‌گیرد (lorde 114, 1984): اگرچه «رقابت جنسی در میان زنان همراه با رقابت برای انباشت دارایی آغاز شد این خریداران زنان بودند که با یکدیگر برای به‌دست آوردن زیباترین زنان رقابت می‌کردند، خود زنان همواره در شمار دارایی سکسی و کالا بودند» (هنسن و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

۱.۳ زنان روسپی و وضعیت اجتماعی آنها در دوره صفویه

«جنس» ناظر به ویژگی‌های جسمی مرد یا زن است و جنسیت معرف باورها یا رفتارهایی است که مرد بودن یا زن بودن را نشان می‌دهد (هولمز، ۱۳۸۸: ۲۶). لذا جاذبه و

قدرت زنانگی نقش وی را در حوزه‌های گوناگون پررنگتر جلوه می‌دهد و محوریت او در زندگی گروهی را تثبیت می‌کند (محمدی اصل، ۱۳۹۸: ۱۱۳). تفکیک زنان در دوره‌های مختلف تاریخ براساس مولفه‌های گوناگون و روابط اجتماعی حاکم بر جامعه صورت گرفته است اما حضور زنان صفوی در ملا عام بسته به موقعیت آنها داشت به عنوان نمونه زنان طبقات بالا کمتر در شهر ظاهر می‌شدند و قُرق کردن مسیر هنگام عبور آنها امری معمولی به حساب می‌آمد (دلاواله، ۱۳۸۰: ۶۹۷). فیگوتروا جهانگرد و سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس صفوی بیان می‌کند که

صحن مسجد که غالباً زنان پیشه‌وران و بنکداران آن را اشغال می‌کردند و بین زنان طبقات پست گروهی از زنان بازرگانان و طبقات متوسط نیز بودند که از لحاظ لباس و زینت با زنان پایین‌تر از خود فرقی نداشتند زیرا هر دوی آنان چادرهای سیاه بر سر و روبندهای سفید بر چهره داشتند. قسمتی از طارمی‌ها همواره به روسپیان متعین اختصاص داشت که به آنها بیش از زنان متشخص و مردم عادی احترام می‌گذاشتند. زیرا شاه نخست به سودی که از قبل آنها عایدش می‌شود و دو دیگر به جهت آن که ایشان همراه سپاه به جبهه‌های جنگ می‌روند و بدون وجود آنها سپاهیان در جبهه دوام نمی‌آورند، امتیازات و معافیت‌هایی برایشان قائل شده است. اما روسپیان را به آسانی می‌توان از زنان دیگر تشخیص داد زیرا با لباس بهتر ظاهر می‌شوند، خدمه بیش‌تر دارند و چون معمولاً سوار بر اسب حرکت می‌کنند پیش از دیگران به مجلس می‌آیند (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۳۰۷-۳۰۸)

طبقه بر ادراک و فرصت‌ها و امکانات در دسترس و حق انتخاب آتی تاثیر می‌گذارد و حضور خصوصی-اجتماعی را بنا به دسترسی به آموزش، اشتغال، تجرد و تاهل و حتی امکان آنها را مرزبندی می‌کند. طبقه علاوه بر تعیین نقش و پایگاه اقتصادی مردان و زنان، سطح و میزان مشارکت سیاسی-مدنی آنان و نیز جایگاه فرهنگی‌شان را مشخص می‌دارد (محمدی اصل، ۱۳۹۶: ۱۶۵).

علاوه بر زنان طبقات بالا و متوسط جامعه‌ی صفوی که در شهرها، روستاها و طوایف ایفای نقش می‌کردند، طبقات فرودستی از زنان مانند زنان روسپی و آوازه‌خوان در جامعه‌ی صفوی وجود داشتند. سیاحان در گزارش‌های تاریخی خود از خانه‌های فساد در محلات و کوچه‌ها و خیابان‌های اصفهان می‌گویند (سفرنامه ونیزیان در ایران، ۱۳۸۱: ۳۸۶). در دوره صفویه هر مرد اجازه داشت چهار زن داشته باشد و هر تعداد که دلش خواست و

بتواند اداره کند زن صیغه‌ای اختیار کند. بعضی از این زنان حتی از میان روسپیان و کنیزان انتخاب می‌شدند. البته ناگفته نماند که مردان این زنان را موقتی اختیار می‌کردند و مدت ازدواج نیز مشخص می‌شد. کارری بیان می‌کند که این نوع ازدواج مشروع بود و زنان حق ارث بردن داشتند (کارری، ۱۳۴۸: ۳۳). شاردن که به مسائل اجتماعی ایران علاقه‌مند بود در گفتاری به علل و عوامل روسپیگری پرداخته است و حتی ارتباط آن را با متعه بررسی کرده است

به گمان من در هیچ کشوری بهای همخوابگی با زن روسپی بدین گرانی نیست؛ و برای من علت این مسئله همچنان مجهول ماند؛ زیرا در مذهب اسلام هر مرد می‌تواند چندین دختر بخرد، و با آنها به عشرت بنشیند و کام دل بگیرد. همچنین هر مرد مجاز است هر چه می‌خواهد صیغه بگیرد. از روی دیگر جوانان زود متأهل می‌شوند و این عوامل باید موجب کساد بازار روسپیان شود، و حال آنکه مشتریان‌شان دائم در تزیاید، و بازارشان گرم و پررونق است (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۳۰/۱)

علاوه بر آن شاردن بیان می‌کند که

مردمان متوسط الحال بیشتر زن به صیغه می‌گیرند زیرا آسان می‌توانند او را رها و خود را از قید و بند زرداری آزاد کنند. اما مردان تهی‌دست و کم‌سرمایه از گرفتن متعه خودداری می‌کنند زیرا پس از رها کردن وی قادر به دادن نفقه نمی‌باشند. همچنین دولت‌مندان و افراد سرشناس و صاحب‌جاه، متعه نمی‌کنند زیرا بر خود نمی‌پسندند که با به کارگرفته دیگران همبستر شوند. همچنین خوش‌ندانند از زنی که کام گرفته‌اند دیگری متمتع شود؛ و اگر اتفاقاً چنین روی نمود که مردی دارا و خداوند جاه عشقش به زنی جنیند، یا به یک زن روسپی دل بست وی را نودساله صیغه می‌کند (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۳۸/۱).

افراد با شخصیت در مقایسه با دیگران هنگامی زن روسپی اختیار می‌کنند که زن دائمی‌شان منسوب به یک خانواده معتبر و صاحب‌نام و نشان نباشد، زیرا صاحبان مقامات بالا و صاحب منصبان هرگز راضی نمی‌شدند که بر سر دخترشان هووی بیاورند که از طبقات پست باشد (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۳۸/۱).

از آن‌جا که عموماً گسترش روسپیگری با مدنیت و شکل‌گیری و تمرکز جمعیت‌های بزرگ در شهرها مرتبط بوده است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵: ۶۴) و همچنین از این نظر که

روسپیان به ندرت دارای سطح قابل توجهی از سواد و آگاهی عمومی بوده‌اند (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۸۰-۱۸۱) در دوره صفوی فحشا و روسپیگری در شهرها نسبت به روستا رواج بیش‌تری داشت. شاردن بر این امر صحه می‌گذارد و بیان می‌کند که تعداد روسپی‌ها در شهرها خصوصاً اصفهان نسبت به ولایات دیگر بیشتر است و برای تمتع گرفتن از آنان باید پول زیادی پرداخت کرد. وی بیان می‌کند که روسپیان دارای سازمانی منظم و وسیع هستند، مدیر کل و رئیس دارند و تمام این فرآیند در دفتر ثبت و ضبط می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۲۹/۱). شاردن همچنین بر این باور بود که محرک مردان به آمیزش با روسپیان بیشتر بر اثر هوای گرم این مناطق است.

علاوه بر آن این موجودات زیبا و دل‌فریب چنان در جلب و جذب مردان جادوگری می‌کنند که تا آنان به خود آیند به دام افتاده‌اند؛ و جز تمکین و تسلیم و دل به هوس سپردن چاره ندارند، و آنان که می‌گویند سقوط بعضی وزیران و ازپافتادگی بسیاری از بزرگان و جوانان شاداب و برومند بر اثر افسونگری این زنان بدکار مردم فریب است، سخانشان پخته و سنجیده است (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۳۰/۱).

شاردن به معشوقه پرستی ایرانیان اشاره دارد و می‌گوید

من بسیار مردان هوشمند و دانا و پرهیزگار را می‌شناختم که از بخت بد به ناگاه در دام زنان روسپی افتاده‌اند، و امید نداشتند از این منجلاب ادبار و بدنامی و فضیحت و رسوایی به درآیند. آنان بر این اعتقادند که بر اثر سحر و جادو بدین بدبختی گرفتار آمده‌اند و رهایی‌شان ناشدنی است. می‌گویند بر اثر پیروی هوا و هوس افسون و مسحور شده‌اند و هر چند می‌کوشند زنجیری که سراسر وجودشان را می‌شکرد بگسلند و از این دام پرمخافت بجهند نمی‌توانند. و جز کسی که این دام را بر پایشان نهاده هیچ‌کس نمی‌تواند بگشاید. برخی از این به دام افتادگان داغ عشق بر سینه دارند و به نشان عشق سوزان با آهن گداخته داغ بر تن خویش نشانده‌اند (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۳۰/۱).

روسپیان این دوره هم هواخواه داشته‌اند و هم دشمن و در کشاکش ایام بسته به ذوق جنسی یا دیدگاه‌های سیاسی و فقهاتی، میزان آزادی و صیانت آنها کم و زیاد می‌شد که از ویژگی‌های تاریخ دوره مورد نظر برمیخواست و هم حضور عنصر مردسالارانه. در هر حال روسپیان این دوره جز زنانگی و فریبندگی امکان دیگری برای صیانت از خود نداشته‌اند.

قیود اخلاقی به جز موارد مذهبی به اعتبار و شأن افرادی منوط بود که این فعل را مغایرت با پایگاه و جایگاه اجتماعی خود می‌دانستند. اما گاه در همین مرحله نیز با روش‌های همخوابگی با روسپی این مسئله برطرف می‌شد.

۲.۳ مشخصات ظاهری روسپیان در دوره صفویه

نوع شغل و پیشه رابطه مستقیمی با نحوه پوشیدن لباس دارد. به طوری که تا حدی نشان‌دهنده و بیانگر شخصیت اجتماعی می‌باشد. اگرچه مهمترین وجه مشخصه لباس، پدیدارگی و عمومیت آن است که نشان‌دهنده ارزش‌ها، عقاید، باورها و تجربه‌های جمعی افراد یک گروه، یک قوم و نیز یک جامعه است؛ اما با این وجود لباس، هویت افراد را بر ساخته و به آنها عینیت می‌بخشد. بنابراین لباس، اولین و عینی‌ترین وسیله برای قضاوت درباره اشخاص و برقراری ارتباط با افراد، مکان‌ها و فضاهای اجتماعی است (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۲۶۲). ویلسون در بررسی گزارش‌های خود در کتاب مُد و مدرنیته بیان می‌کند

لباس می‌بایست با تا حدی با تمایلات جنسی رابطه داشته باشد. اغلب گفته می‌شود که لباس جاذبه جنسی را افزایش می‌دهد، زیرا هم بدن را نشان می‌دهد و هم آن را می‌پوشاند. برای برخی افراد حتی جنس لباس هم به ابزاری ضروری برای برانگیختگی شهوانی تبدیل می‌شود بنابراین لباس تا حدی با تمایلات جنسی رابطه دارد، اما بیانگر و گویای بسیاری از غرایز و هوس‌های ناگهانی دیگر نیز هست. امر جنسی نمی‌تواند به عنوان چیزی مستقل و ملموس مفهوم پردازی شود بلکه در زندگی جریانی سیال، روان، ارتباطی و نه مجزا به حساب می‌آید (ویلسون، ۱۳۹۴: ۱۲۱ و ۱۲۲).

لباس زنانه، تبلور عملکرد نظام سلطه مردان در حریم زنان است. لباس‌های زنانه، علاوه بر ایجاد فشارهای جسمی و روانی بر آن‌ها، آنها را به ابژه جنسی برای مردان تبدیل می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۲۸۳)

شاردن بیان می‌کند که در دوره صفویه با اینکه روسپی‌ها مانند دیگر زنان دارای حجاب هستند و همانند آنان لباس می‌پوشند اما با این وجود زودتر از فواحش کشورهای دیگر شناخته می‌شوند، زیرا «اطوار و حرکات آنها که به نوعی دلبری و جفت‌جویی

قرین است که حالت و هدفشان را هویدا می‌کند. از اینها گذشته چادرشان که اندکی از چادر زنان دیگر کوتاه‌تر و بازتر است معرف حالشان می‌باشد» (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۲۹/۱). توماس هربرت در توصیف لباس روسپیان بیان می‌کند که «جامه‌شان شلال و پر زرق و برق است و تا نزدیک قوزک پاشان می‌رسد، زیرش تَبان‌های زربفت، ساتن و یا گلدوزی‌های گرانبها می‌پوشند» (هربرت، ۱۳۹۷: ۲۳۷). روسپیان با توجه به درآمد بالایی که به‌واسطه این شغل داشتند، وضع ظاهریشان نسبت به زنان طبقات دیگر متفاوت و اغلب با لباس‌ها و زینت‌آلات گرانبها خود را آراسته و در شهر رفت و آمد می‌کردند. برای نمونه می‌توان به زنان روسپی بندرعباس اشاره کرد

موهانشان بافته و عطرآگین، روی گونه هاشان آویزهایی از مروارید شرقی دور گردنشان طرقتی جواهرنشان، به گوش‌هاشان حلقه‌ها یکی در دیگری، بر بینی شان گلی یا تکه‌ای زر به درازای سه اینچ و پهنای نیم اینچ مرصع به فیروزه و یاقوت سرخ و گوهر و یاقوت کبود و دیگر سنگ‌های قیمتی، به بازوهاشان بازوبندهای سیمین، برنجین و مانند این‌ها (هربرت، ۱۳۹۷: ۴۷).

روسپیان همراه با نوکران خویش در شهر ظاهر می‌شدند و با لباس‌های زیبا، بی‌روپوش و روی گشاده و تنها با حجاب توری زری و ابریشمی نازکی که سر و روی و سینه‌شان را می‌پوشاندند که به راحتی می‌شد همه‌ی زیبایی‌شان را از پشت این حجاب دید (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۳۵۰). با اینحال شکی نیست که ظاهر اجتماعی زن روسپی حتی باوجود داشتن هواخواه و معشوق، مسمئزکننده و اهانت‌آمیز بوده است. گاه مجازات افراد یاغی، ترسو و بی‌غیرت آن بود که وی را در قامت یک روسپی آرایش کرده و لباس زنانه به او می‌پوشاندند (روملو، ۱۳۸۴: ۲/۱۰۷۳-۱۰۷۴).

۳.۳ مکان‌های روسپی‌گری و بیماری‌های آن‌ها

روسپیان در حرفه خود تنها عمل نمی‌کنند بلکه مکان‌هایی به منظور نقش سرپرستی و افرادی دیگر به عنوان واسطه وجود دارند که با توجه به اینکه اطلاعات کمی درباره آن‌ها وجود دارد اما نقش عمده‌ای در تداوم روسپیگری ایفا می‌کنند (moulder، ۲۰۰۰: ۲۹۳). روسپی‌هایی که در این مکان‌ها به ملاقات مشتریان خود می‌پردازند برخی از این خانه‌ها در محلات بویژه در شهرها قرار دارند. در اصفهان کنار مدرسه‌ها گذرگاهی زیر زمینی است که

به قلعه ختم می‌شود. از این گذرگاه کوچه‌هایی منشعب می‌شود که همه تنگ و کوتاه و کثیف هستند و در آنها پنج یا شش کاروان‌سراست که منزلگاه زنان روسپی است که برخی از مردمان طبقه پست به این خانه‌ها و کاروانسراها رفت‌وآمد می‌کنند. بعضی از کوچه‌ها به دلیل سکونت روسپیان خوشگل‌ترین، فریباترین و هوس‌انگیزترین به کوچه بدنام معروف بودند (شاردن، ۱۳۷۲: ۴/۴۴۲ و ۱۵۰۴ و ۱۵۱۸). شاردن بیان می‌کند که در طبقه غرفه‌های دوطبقه و مسقف میدان شاه در اصفهان غربا، بی‌نوایان و حتی زنان روسپی سکونت می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۲: ۵/۱۷۶۶).

روسپی‌هایی که مالیات می‌پردازند در کاروانسراهایی که مخصوص سکونت آن‌هاست زندگی می‌کنند و هیچ‌کس بر خود نمی‌پسندد که در چنان مکان‌ها خانه بگیرد. اما آنان که مالیات نمی‌دهند در خانه‌های خود به سر می‌برند. زیرا در ایران اجاره‌نشینی، و در اختیارنهادن منازل مجهز به همه وسایل زندگی به دیگران به هیچ روی معمول نیست (شاردن، ۱۳۷۲: ۱/۴۳۲).

هم‌بستری با روسپیان عملی ننگین و فضاحت‌بار است، و اگر عامه از آن عمل قبیح و شنیع نمی‌پرهیزند لاقلاً زنانی که در بند نام و ننگ‌اند از آن دوری می‌جویند. اما انکار نمی‌توان کرد که در شهر روسپی فراوان است، و شگفت اینکه بسیاری از متظاهرین به دین و آنان که ظاهر آراسته دارند و دعوی زهد می‌کنند از زنا نمی‌پرهیزند. اگر به هنگام غروب آفتاب اندکی نزدیک مدارس طلبه‌نشین یا مساجد بزرگ درنگ کنید می‌بینید که زنان روسپی چادر به سر، تنها یا با کلفتشان وارد حجره‌های مدرسین یا طلبه‌ها می‌شوند. از این حجره به آن حجره می‌روند. پس از ورودشان در حجره بسته می‌شود و سپیده‌دم خارج می‌گردند. حتی بعضی چنان بی‌پروا مرتکب این فضایح می‌شوند که تا پاسی از روز برآمده زن روسپی را رها نمی‌کنند. این اعمال ننگین و شنیع حتی در کاروانسراهای تجاری نیز رواج کامل دارد، و بازرگانان بیگانه از ارتکاب آن شرم و بیم نمی‌کنند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱/۴۳۵-۴۳۶).

در عهد شاه صفی و شاه عباس دوم، فساد و فحشا و منکرات چنان در اصفهان فراگیر شده بود که در خیابان‌های اصفهان خانه‌های فساد به نام بی‌نقابان وجود داشت که در آن‌ها فواحش و دلاله‌ها آشکارا فعالیت می‌کردند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۰۹) (قمی، ۱۳۵۹: ۴۴۹-۴۵۰) (لوفت، ۱۳۸۰: ۷۷) (سفرنامه ونیزیان در ایران، ۱۳۴۹: ۳۸۶) (سمیعا، ۱۳۳۴: ۱۲۰۳). در اواخر عصر صفوی هنوز بعضی فواحش در محلات مخصوصی زندگی می‌کردند و به سبب

داشتن توان مادی از برخی محلات دور می‌شدند «بنا و تجارتخانه هلندیها {در اصفهان} هم چون موسسات انگلیسی‌ها در محل مناسبی واقع نشده بود چه عمارت مزبور از مرکز اصلی تجارت و دربار دور بود به علاوه در مجاورت محله بدنامی قرار داشت» (لکه‌پارت، ۱۳۴۳: ۴۳۵)

رابطه جنسی روسپیان با دیگران سبب بیماری‌های گوناگون جنسی می‌شد. سیفلیس نوعی بیماری تریونمال مقاربتی است که باکتری آن به نام تریونماپالیدوم از راه تماس جنسی و زخم منتقل می‌شود. سیفلیس اولیه از طریق تماس مستقیم با زخم‌های عفونی شخص مبتلا در حین رابطه جنسی منتقل می‌شود که در این مرحله بیماری بسیار واگیردار است (radolf et al, ۲۰۱۵: ۲۶۸۴) بیماری آمیزشی یا امراض مقاربتی، اصطلاحی است برای نامیدن گروهی از عفونت‌ها که بیشتر از راه تماس جنسی حاصل می‌شوند. منظور از بیماری آمیزشی روسپیگری در دوره صفویه سوزاک و سیفلیس بود (فلور، ۲۰۱۰: ۳۲۴-۳۲۵). نزدیکی با روسپیان زن بیش از هر چیز سبب پخش شدن بیماری‌های آمیزشی می‌شد که این امر در قهوه‌خانه‌ها، محله‌ها، خیابان‌ها و رقصه‌های دربار باعث انتقال این بیماری شد (فلور، ۲۰۱۰: ۳۳۰).

شاردن به نحو اغراق آلودی بیان میکند که

نیمی از مردم ایران دوره صفویه به بیماری شرم‌آور و خانمان‌سوز سیفلیس مبتلا هستند. این بیماری بر اثر همخوابگی با زنان روسپی بوجود می‌آید و چون به سرعت و با تماس اندک از بیماران به افراد سالم منتقل می‌گردد، همنشینی و هم‌کاسه شدن با مبتلایان، و شست‌وشو در حمام‌های عمومی می‌تواند از عوامل مؤثر نشر و گسترش این بیماری محسوب شود و چه بسا بسیاری از کسانی که حتی با زنان روسپی و مبتلا به بیماری‌های مقاربتی همبستری نکرده باشند به دلیل استفاده از گرمابه‌های آلوده به این افراد به این مرض خطرناک دچار شده‌اند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۱۲۹/۳ و ۱۱۳۷).

پیشرفت این بیماری تا جایی است که عدم روند و پیگیری درمان موجب مرگ فرد می‌شود. روسپی‌گری در دوره صفویه به حدی رواج داشت که اغلب شاهان و امرا و وزرا و حاکمان، ضمن داشتن حرمسرا و زنان صیغه‌ای، با زنان روسپی ویژه نیز ارتباط و آمیزش داشتند و برخی مانند شاه عباس دوم به بیماری‌های مقاربتی ناشی از آمیزش با فواحش مبتلا گشت، که در اثر این بیماری فوت شد (کمپفر، ۱۳۶۰: ۴۰ و شاردن، ۱۳۷۲).

۱۶۰۴/۴). به نظر میرسد که امراض مرتبط با روسپیان اگر نه در اندازه واقعی خود بلکه بنابه شنیع بودن عمل زنا و نزدیکی با روسپیان و اعلام انزجار از این عمل به نحو اغراق آمیزی گزارش شده است.

۴. عوامل مؤثر در رواج روسپی‌گری زنان عصر صفوی

۱.۴ مسائل اقتصادی و کسب درآمد شخصی

طبق مطالعات پرکینز مهم‌ترین دلیل در ورود به روسپیگری به ترتیب اهمیت: کسب درآمد بیش‌تر، بیکاری، رهایی از خانه و مستقل شدن و در آخر کسب لذت جنسی است. بنابراین باید این مسئله را از منظر شرایط اقتصادی و سطح آگاهی فرد بررسی کرد (perkins, 2006: lauer (1991, 45: 256) از سوی دیگر بر پایه جامعه‌شناسی جنسیت، مردان منابعی بیش از زنان به دست می‌آورند (turner, 1999: 238). این امر در ارتباط با دوره زمانی مورد بحث بسیار پُررنگ‌تر بود و لذا مهم‌ترین عاملی که در گزارش‌ها ثبت شده است مسائل اقتصادی است. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که پول، کسب معیشت و امنیت از مهم‌ترین عوامل مؤثر به روسپیگری است.

روسپانی که در عصر صفوی به نوشته شاردن، «به کار ننگین و شرم‌آور و فضاحت‌آمیز می‌پردازند، برای یک شب همخوابگی پانزده تا بیست پیستول پول طلب می‌کنند» (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۲۹/۱) دوازده تومان نام زن روسپی زیبا و معروفی بوده که چون از هرکس که اول بار با وی همبستر می‌شده دوازده تومان می‌گرفته به این نام مشهور بود. علاوه بر آن شاردن در نخستین سفرش به ایران در سال ۱۶۶۶م. {۱۰۷۷ق.} از روسپی هوس‌آفرین نوشین‌لب هم از نظر زیبایی خیره‌کننده و هم از جهت دارایی بسیاری که اندوخته بود شهرت بسیار داشت یاد میکند که گرچه خانه‌اش بزرگ نبود اما مانند گوهر همتا و بی مانند بود (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۴۶۸/۴). به نوشته شاردن؛ ایرانیان برای توجیه می‌گویند زنان روسپی گنه‌کارند، و جز از طریق توبه و پرهیز از عمل شنیع خود راه خلاصی و رستگاری ندارند و به همین قصد و نیت مالیات می‌دهند، بنابراین آنان در شمار افراد غیرمؤمن به حساب می‌آیند. همچنین مؤمنان معتقدند که دادوستد با زنان روسپی حرام است، اما اگر کسی آنان را به زنی بگیرد معامله با آنان حلال می‌گردد (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۳۶/۱). این درآمد تنها به تن‌فروشی زنان مربوط نمی‌شد بلکه دلالان و قوادان را نیز در

اقتصاد فاحشه‌گی در برداشت. می‌توان اذعان کرد که واسطه‌ها (قوادان) مهم‌ترین افرادی هستند که وظیفه جذب مشتری را برای روسپی برعهده دارند (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵: ۳۸).

در قزوین پشت هرکدام از این فواحش یک پیرزن که دلال نامیده می‌شود نشسته است و تشک و لحافی بر کول خود و چراغی خاموش در دست دارد، حال اگر کسی بخواهد با آن‌ها وارد معامله شود، دلال چراغ را روشن می‌کند تا چهره زن فاحشه دیده شود و چنانچه مورد پسند واقع شد، به دنبال آن‌ها راه می‌افتد و برای هم‌خوابگی به مکان دیگری می‌رود (اولثاریوس، ۱۳۶۳: ۱۵۶).

در کنار آن سوداگرانی کالاهای خود را به فروش می‌گذاشتند که شامل تعداد زیادی قحبه بود که از طریق واسطه‌گری در این امر، امرار معاش می‌کردند (اولثاریوس، ۱۳۶۳: ۱۵۵). در هر حال آنچه در کانون توجه اقتصاد روسپیگری بوده است همان زن است. جنسیت زنان در این معنا هم برای معیشت و پول درآوردن و هم برای کسب و کار دیگران مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.

۵. روسپی‌گری و قوانین شریعت

با وجود آن‌که نص صریح دین اسلام با روسپیگری مخالف است اما کتب فقهی در این دوره بیش‌تر معطوف به مسایل شرعی و احکام ضروری متعلق به فقه النکاح (نکاح متعه، نکاح کنیز و نکاح دائمی) و احکام آن مانند تمکین نمودن زن از شوهر، نفقه، فسخ عقد و اقسام حد زنا و مجازات آن پرداخته‌اند (عقد الکساء فی فقه النساء کربلائی، نسخه خطی: ۴۳ و صیغ العقود و النکاح مجلسی، نسخه خطی: ۵-۱۴۴۸ و جامع عباسی شیخ بهایی، ۱۳۱۲، ۲۳۳-۲۳۶) و شیخ بهایی، ۱۳۱۲: ۳۴۶-۳۴۷). پدیده روسپیگری علیرغم منع هنجاری و شرعی اما در وجه فقهی و احکام آن، واجد اثرگذاری ملموس و موثری نبوده است (برهانی، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۳). و اگرچه این رفتار در دوره صفویه از معضلات اجتماعی بوده که پادشاهان و دولت با تدابیر خاص خود مانند قدغن کردن یا بستن فاحشه‌خانه‌ها یا قمارخانه‌ها در یک برهه زمانی مشخص، به اصلاح و مبارزه آن می‌پرداختند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۸۵۶). اما منع مطلق نبوده و در واقع اراده و قدرت شاه بر نظرات فقهی غالب بوده است. در ذیل مناسبات ازدواج، می‌توان پذیرفت که یکی از علل رواج یا

کم‌اهمیت انگاشتن ناهنجاری روسپیگری، متعه یا صیغه‌های مکرر و تا حدودی سهل‌الوصول بود. هر مرد می‌توانست چندان که بخواهد و هر مدت که مایل باشد با مهتری که قبلاً مورد توافق طرفین قرار گرفته، صیغه بگیرد (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۲۹۹، کارری، ۱۳۴۸: ۱۳۱) در این مورد فقر طبقه پائین مردم از حیث عدم استطاعت نفقه به متعه، یا نجابت طبقاتی برخی اشراف و نجبا که کامجویی از بهره دیگران را نمی‌پسندیدند، از موانع محدود نمودن صیغه بود اما در عمل «مردمان طبقات متوسط‌الحال بیشتر زن به صیغه می‌گیرند زیرا آسان می‌توانند او را رها و خود را از قید و بند زرداری آزاد کنند» (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۳۷ و ۴۳۸). از این‌رو گاه مرز و حدی میان متعه و روسپی نبود؛ چنان‌که مردان می‌توانستند، زن روسپی را برای مدت یک ساعت، یک شب، یک روز، یک هفته یا برای هر مدت که بخواهند به صورت متعه یا عقد غیردائم به ازدواج شرعی و قانونی خود درآورند. در واقع به محض اینکه صیغه عقد جاری می‌شد، زن روسپی بر مرد حلال می‌گردید (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۳۶) شاردن هوشمندانه به این موضوع پی برده بود و زیرکانه می‌نویسد؛ درحالی‌که هر مرد مجاز است هر چه می‌خواهد صیغه بگیرد و این عوامل باید موجب کساد بازار روسپیان شود اما مشتریان روسپیان دائم در تزايد، و بازارشان گرم و پررونق است (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۳۰). از این‌رو متعه و صیغه با وجود تفاوت آن با پدیده روسپیگری، همچنان به رواج روسپیگری و یا علاقه‌مندی بیشتر مردان به زنان می‌افزود.

با وجود منع فقهی و عرفی درباره پدیده روسپیگری اما این موضوع تابع اراده مردسالارانه و یا خواست دربار بود. به گفته شاردن

با وجود این در دین اسلام زنا گناهی بزرگ و نابخشودنی است و هم‌بستری با روسپیان عملی ننگین و فضاحت‌بار است... اما انکار نمی‌توان کرد که روسپی فراوان است، و شگفت این‌که بسیاری از متظاهرين به دین و آنان که ظاهر آراسته دارند و دعوی زهد می‌کنند از زنا نمی‌پرهیزند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۳۵).

چنان‌که اولیویه اشاره دارد، کشتن زنانی که اعمال منافی عفت انجام میداده‌اند، امری طبیعی محسوب می‌شده که گاه با همکاری خانواده زن انجام می‌گرفته است (اولیویه، ۱۳۷۱: ۸۶) اما این قواعد سخت اخلاقی، تنها در راستای قدرت تعریف می‌شد و حال آن‌که درباره مردان و از جمله سلاطین و اشراف، قیودی در ارتباط با حد و حریم زنان نبود.

حاکم می‌توانست حتی به زور و تعدی و یا اکراه خانواده، زنان زیادی را تصاحب نماید (تاورنیه، ۱۳۶۳، ج ۳: ۵۲۹).

در این رابطه باید گفت که هنجارهای اجتماعی درباره جنسیت، برساخته‌هایی اجتماعی‌اند که به صورت حقایق اجتماعی در هر عصری شناخته می‌شوند؛ اما به تعبیر فوکو سکسوالیته در هر دوره‌ای از تاریخ بر اساس ویژگی‌های خاص همان دوران تعریف شده است و مقوله ای نیست که بتوان بر تمام تاریخ بشریت آن را تعمیم داد (یورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ۳۱۱). همین متغیر بودن هنجار در مکان (دربار) و زمان (اراده شاه و اطرافیان) نسبت به پدیده روسپیگری به چشم می‌آید که مافوق دستورات مذهبی بود. چنان‌که مخصوصاً از عصر شاه عباس به بعد، موضوع نقاشی دیگر روایت داستان در کتاب‌ها نبود بلکه گاه آشکارا به موضوعات جنسی و نمایش روابط میان زنان و مردان جوان اشاره شده است؛ در برخی از نگاره‌های مرتبط با دربار، نه تنها تلاشی برای پنهان کردن جنبه‌های جنسی صورت نگرفته است بلکه جلوه‌های جنسی را آشکارا نشان داده است.

۶. دربار صفوی و رواج پدیده روسپی‌گری

۱.۶ تفوق نظام مردسالارانه

با آن‌که صفویان تشیع را گسترش دادند اما تلقی این‌که آن‌ها تماماً آئین و شعائر دینی را مویه‌مو اجرا می‌کردند، بی‌مورد است. رسم نوشیدن شراب و زنبارگی از جمله بدیهی‌ترین امور متعارض با دین اسلام و تشیع بود که در اغلب مواقع نادیده انگاشته می‌شد. به جز ایام بعد از توبه معروف شاه‌طهماسب موارد دیگری از این حیث سراغ نداریم. فرایند کلی تاریخ این دوره، براساس سنت مردسالاری است و نظام قدرت و برتری در هیچ‌یک از جنبه‌های زندگی این دوره، همچون ساختار سیاسی و دربار نبود. جایگاه برتر مردان، نشانگر جایگاه پست‌تر زنان در جامعه است. به عبارت دیگر برتری مردان بیانگر آن است که زنان در جایگاه فروتری قرار دارند و جایگاه برتر مردان نسبت به آنها این اجازه را می‌دهد که از امتیازات اقتصادی و به‌ویژه اجتماعی بالاتری نسبت به زنان برخوردار باشند (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۲۸۲). «ستم بر زنان در عمق نظام جنسیتی که شناخته مردسالاری است ریشه دارد» (تانگ، ۱۳۹۴: ۱۵۸). می‌توان به گونه‌ای دیگر به روسپیگری نیز اشاره نمود. در واقع نظام مردسالارانه که از مفهوم قدرت و اقتدار برمی‌خیزد در مورد این پدیده به کار می‌رود.

از نظر ماکس وبر، قدرت عبارت است از احتمال این که یک کنشگر در درون شبکه ای از روابط اجتماعی، در موقعی قرار می گیرد که بتواند اراده خود را با وجود مقاومت دیگران پیش ببرد. در واقع قدرت تنها زور یا اقتدار نیست بلکه ترکیبی از این دو است است (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۱۶۴-۱۶۵). لذا باید گفت که در عصر صفوی لذت‌های جنسی و تن‌کامانه ارتباط وثیقی با مردان و مخصوصاً زندگی روزمره صاحبان قدرت داشته است. این رابطه از دو سو مورد بررسی است از یک منظر در ارتباط با روسپانی که در ذیل شهرها به خدمات جنسی به مشتریان خود و نظام مردانه تن می‌دادند که به طور سریع در نگاه پژوهش قرار می‌گیرد و از دیگر سو، زنانی در ذیل دربار بدون آنکه نامی از روسپیگری بر خود و حیاتشان داشته باشند در عمل، برخی از کارکردهای روسپیان را انجام می‌دادند. اصولاً رویه و سیاست یکسانی از سوی پادشاهان صفوی در ارتباط با پدیده روسپی‌گری وجود ندارد. تا آنجا که به پیشینه صفویان از حیث این موضوع بازمی‌گردد؛ در زمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی، فاحشه‌خانه (بیت‌الفواحش) وجود داشته اما در جایی گزارش نشده است که وی اقدامی برای جمع‌آوری آن کرده باشد و پس از مرگش روسپی‌خانه‌ها و میکده‌ها در اردبیل همچنان به کار خود ادامه دادند (ابن بزار، ۱۳۷۶: ۱۰۵ و ۸۰۷). شاه اسماعیل پس از تصرف تبریز فرمان داد جسد همه کسانی را که در کشتن سلطان حیدر شرکت کرده بودند از گور بیرون آوردند و با سرهای از تن جداشده گروهی از دزدان و روسپیان را سوزاندند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۸۵۴/۵). اما وقتی شاه طهماسب اول بیست‌ساله شد از این کارهای کودکانه بیزاری جست و متعبد و پارسا گشت، مالیات شراب‌خانه‌ها و قمارخانه‌ها و روسپی‌خانه‌ها را حرام شمرد و از دفاتر بیرون کرد و آنچه را نجس می‌پنداشت از خود دور کرد (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۸۵۶/۵). در دوره صفوی، در ضیافت‌های افراد سرشناس، میزبان در کنار مطربان و بازیگران، غالباً رقاصه‌هایی نیز حضور داشتند، البته به جز اردبیل که مکانی مقدس به شمار می‌رفت و شاه عباس بزرگ دستور داده بود که تمام روسپیان را از شهر بیرون کنند (اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۲۲۲). وضعیت روسپیان و فساد اخلاقی در برخی دوره‌های عصر صفوی از جمله دوره شاه صفی و شاه عباس دوم چنان بود، که آشکارا این قبیل زنان به فعالیت و روسپیگری پرداخته‌اند و حتی شاه و درباریان را نیز به خود مشغول داشته‌اند (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۳۰۹، کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۴۰). اما در بطن این گزارش‌های کلی، نکته مهمتر آن بود که طیف وسیعی از زنان حرم‌سرای شاهان که محصول انتخاب و گزینش آنها و ایجاد رابطه در هر زمان و طلاق در

هر وقت و نیز بخشش و اعطاء زنان حرم به افراد دلخواه وجود دارد که بخش‌هایی از تعاریف و کارکرد روسپیگری را در خود به طور مستتر دارد که تحت لفافه ساختار سیاسی و دربار پوشانده می‌شد. در واقع به جز زنان طبقات بالا، زنان طبقات دیگر، حقوقی از حیث جنسیت نداشتند و کاملاً تحت اراده و سیادت مردان و مخصوصاً پادشاه بودند. گزارش‌های زیادی در تأیید مصادیق تاریخی این ادعا است: تمام زنان مقیم حرمسرا، همخوابه شاه که به فارسی به آن کینیز می‌گویند، نیستند و شامل خدمتکاران، دختران بزرگان مملکت (که برای کسب افتخار، یا نفوذ و شفاعت ندیمه همسران شاه شده‌اند) بودند اما هرگاه شاه به آن‌ها رغبت کند در اختیار وی قرار خواهند گرفت. حتی اگر هریک از حاکمان آگاه شود که در جایی دختری لایق دربار وجود دارد، وی را می‌گیرد و به دربار می‌فرستد (شاردن، ۱۳۷۲، ۴: ۱۳۱۵؛ کمپفر ۱۳۶۳: ۲۲۵-۲۲۶). شاه می‌تواند هر یک از کینیزان همخوابه خود را به مرد دیگری واگذار نماید که بسان موهبت و هدیه گزافی از جانب پادشاه است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۲۶، شاردن، ۱۳۷۲، ۴: ۱۳۱۷). گاهی نیز به سبب آزرده‌گی و رنجشی که از ایشان دارد به نیت تنبیه، آنان را به همسری شوهرانی از طبقه پایین که به کارهای پست و خسیس اشتغال دارند، درمی‌آورد (شاردن، ۱۳۷۲، ۴: ۱۳۱۸). در مجموع تنانگی همه زنان دربار در اختیار شاه است و زنان حرم شاه، جملگی کینیزان و هر دختری که وارد حرم می‌گردد از خود هیچ اختیار ندارد. پادشاه مالک مطلق اوست و به دلخواه خود با او رفتار می‌کند (شاردن، ۱۳۷۲، ۴: ۱۳۲۲). در چنین شرایطی این روسپیان درباری (اصطلاحی که بنا به تقریب کارکرد با روسپیان غیردرباری به کار می‌رود) کارکردهایی سیاسی، داشته‌اند.

تناقض عجیبی از این حیث در ساختار جنسیت زنان دربار صفوی و تنانگی آنها وجود داشت از یکسو اطلاق نام حرم و ناموس به زنان دربار و یا رسم قرق که انعکاسی از مظاهر جنسی و ارتباط آن با قدرت بود و خاص زنان اشراف متشخص و شاهزادگان بود که با همراهی و با فریاد قُرق مأموران، اگر چشم نامحرمی به زنان حرم می‌افتاد، درجا کشته می‌شدند (دل‌واله، ۱۳۸۰: ۶۹۷ و فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۲۷۶ و کارری، ۱۳۴۸: ۱۲۷). و از سوی دیگر در ذیل چنین اعزاز و احترامی، اغلب زنان دربار (به استثناء شاهزاده خانم‌ها و زنان محترمه اشراف و نجبا) خصلت‌های روسپیان را نیز داشتند. آنها بدون آنکه صاحب اجازه‌های باشند، به امر شاه برای خدمات جنسی مهمانان یا هدیه به دیگران واگذار می‌شدند. فیگوئرا به صراحت از نداشتن مزایا و امتیازات مکفی زنان شاه سخن

گفته است (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۲۷۸). روایت آصف‌الحکما در شرح فساد دستگاه شاه‌سلطان حسین، شاید به اغراق باشد اما نشان از برهم خوردن تعادل جنسی در اواخر دوره صفوی، گسترش فساد و فحشا و روسپیگری و در ذات خود مفهوم قدرت و جنسیت را دربر دارد تا آنجا که درباره اصفهان و سایر شهرهای ایران می‌نویسد «هرکس به پهلوانی و شب روی که می‌توانست از زن و دختر و پسر و مال هرکس محظوظ و متلذذ بشود کوتاهی نمی‌کرد» (آصف، ۱۳۵۷: ۱۰۲).

۷. روسپیان؛ رقصندگان دربار

زنان روسپی اگرچه شغل اقتصادی‌شان خدمات جنسی بوده است اما با این وجود به کارهایی نظیر رقص می‌پرداختند. «پیام‌رسان بدن، همان اطلاع‌رسانی غیرکلامی از طریق حرکات چشم، حالات چهره، آهنگ صدا، حالات بدن، ژست‌ها و حرکات بدنی است که کمابیش خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه، به‌طور موثر یا ناموثر در زندگی روزمره از آن استفاده می‌شود» (پهلوان نژاد، ۱۳۸۶: ۱۴). نقش‌های جامعه براساس جنسیت کارکردهای متفاوتی دارد بالطبع بعضی از اشتغال‌ها تحت عنوان اشتغال جنسیتی یاد می‌شوند

مفاهیم جنسیت و نژاد و قومیت و طبقه نه تنها در پرتو وابستگی متقابل معنا می‌گیرند؛ بلکه در متون خاص تاریخی - فرهنگی مفهوم می‌پذیرند و نمی‌توان آنها را فارغ از زمان و فضا در نظر گرفت. به همین ترتیب معنای اشتغال زنان بدون تلقی اقتصاد در کنار سایر خرده‌نظام‌ها و درک مفهوم آن در متون خاص تاریخی ناممکن است (محمدی اصل، ۱۳۹۶: ۲۶۴-۲۶۵).

بدن، اولین و عینی‌ترین وسیله برای برقراری این ارتباط و انتقال معنا در کنش‌های انسانی است (ذکایی و امن پور، ۱۳۹۱: ۱۹۱).

گاهی رقص وسیله‌ای برای تقرب یا خودنمایی به دربار بوده است؛ در اصفهان «هم‌چنان زنهای فاحشه و بچه‌ها کم نبودند» و با رقص‌های عجیب و غریب از برادران شرلی پذیرایی کردند (سفرنامه برادران شرلی، ۱۳۵۷: ۱۷۹). در ایران عصر صفوی چنان رسم بود که برای دعوت کردن این گروه زنان باید پول فرستاده می‌شد

اگر مراد از دعوت فقط رقصیدن رقاظه باشد به خانم رئیس مراجعه می‌کنند و برای هنرنمایی هر رقاظه دو پیستول می‌پردازند. چنانچه شش یا هفت یا هشت تن آنان

را بخوانند باید دوازده، چهارده، شانزده پیستول بدهند، و اگر هنرنمایی رقاصه‌ها در نظر دعوت‌کننده خوش آمد، تحفه و هدیه‌ای نیز به آنها می‌بخشد. اما اگر مراد دل‌خواه دعوت‌کننده کار آن‌چنانی باشد باید قبلا مزد او را بفرستد. آن‌گاه زن روسپی بر اسب سوار می‌شود، و در حالی که یک یا دو زن خدمتگر و یک مرد خدمتکار وی را همراهی می‌کنند به سوی مقصد راه می‌افتد؛ و رسم چنانست که هنگام برگشتن هرچه بخواهد می‌تواند از آن خانه بردارد (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۳۱/۱).

«در مشرق‌زمین رقصیدن کاری زشت و ننگ‌آور است و هیچ زنی جز زنان روسپی نمی‌رقصند» (شاردن، ۱۳۷۲: ۷۹۳/۲؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۹۸۰/۳). علاوه بر رقصندگی، آوازخوانی را مخصوص حرفه روسپیان و لودگان و مسخره‌کنندگان می‌دانند (شاردن، ۱۳۷۲: ۹۷۷/۳) سپاهیان و صاحب‌منصبان ارتش برای چنین ضیافت‌هایی دسته‌ای از رقاصان را دعوت می‌کردند. زنان خواننده رقاص که همه روسپی بودند در برابر گرفتن پول تن و جسم خودفروشی می‌کردند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۴۰/۲). این روسپیان علاوه بر سرگرم نمودن مهمانان و وظایفی دیگر هم داشتند. در بعضی اوقات میزبان از آنها برای اطفای شهوت استفاده می‌کرد (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۲۲۲). علاوه بر مهمانی‌هایی که در موارد فوق به آن اشاره شد، گرفتن خلعت یا دریافت جامه شاه دارای رسم و آیینی شکوهمند و پرتجمل در دوره صفوی بود که می‌بایست همه روسپیان جامه‌های نو و زیبا می‌پوشیدند و برای دست‌افشانی و پایکوبی در مجلس حاضر می‌شدند (شاردن، ۱۳۷۰: ۱۱۷۲/۳). این جدای از رقاصان و روسپیان درباری بود که شاه را در سفر همراهی می‌کردند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۴۰). از سوی دیگر، افرادی که خواهان ارتباط با زنان روسپی بود می‌توانست در میدان‌های عمومی شهر که روسپیان در آنجا چادر خویش را برپا می‌کردند دلخواه خود را انتخاب کنند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۴۲۹/۴). بی‌جهت نیست که رقص این روسپیان به عنوان عنصری مهم در نگارگری بزمی و نیز در دیوارنگاره‌های عصر صفوی به چشم آمد و بی‌گمان این ویژگی بر رواج و شیوع پدیده روسپیگری تاثیر داشت.

۸. زنان روسپی؛ مالیات و درآمد اقتصادی دربار صفوی

در ارتباط با روسپیگری، رابطه اقتصادی در نوع حکومت دوطرفه بوده و دولت صفوی، به‌واسطه کسب درآمد از این کار بسیار سود می‌بردند اما گاهی نیز به دلیل تحت فشار افکار مذهبی اقدام به جلوگیری و مخالفت می‌کردند

حسب الحکم... مستوفی اصفهان و آقا ابوالفتح بلخان والیخان ... جمعه بیست و سیم {وقایع سال ۱۰۱۷ ه.ق} جمیع فواحش را طلب نمودند و گفتند هرکه توبه کند در این شهر است و الا تا سه روز مهلت دارند که از این شهر به در روند و هرکه قرض به فاحشه داده باشد چون آن فاحشه تایب شود قرض دهنده مالش تلف است. کس طلب نکند بدین سبب تایبه شدند (منجم، ۱۳۶۶: ۳۵۶).

پیداست که این روش موقتی بوده است. با اینحال سیاست‌های دولتی در رواج و تشویق روسپی‌گری به واسطه مالیات زیاد روسپیان باید توجه نمود. این خصیصه بی ارتباط با بحث قدرت و جنسیت در این دوره نیست که در سرتاسر دوره صفوی قابل مشاهده است. چنانکه پژوهش‌های اخیر نیز این رابطه را به جد بررسی کرده‌اند از جمله بازتاب جنسیت و قدرت در برخی از نگاره‌های عصر صفوی و تلاش برای بیش‌تر نشان‌دادن جلوه‌های جنسی مخصوصاً از طریق رقاصان و روسپیان عصر صفوی است (ر.ک: طاهر، ۱۳۹۸). در روسپیگری تسخیر بدن (دانشی از بدن صورت می‌گیرد که دقیقاً دانش عملکرد بدن نیست و بلکه مقوم چیرگی و سلطه‌ای بر نیروهای بدن است که چیزی بیش از توانایی غلبه بر آنها می‌نماید (Foucault, ۱۹۷۹: ۲۶). گفته شده است که بسیاری از تفاوت‌های مردان و زنان در جایگاه‌های مختلف اجتماعی دارای منشا زیست‌شناختی نیستند، بلکه ساختار اجتماعی و فرهنگی به شدت متاثر از تفاوت‌های جنسیتی است که در واقع برساخته اجتماع هستند و محیط اجتماعی و فرهنگی نقش موثری در جهت دهی به افکار و رفتارهای جنسیتی افراد جامعه دارند (جنکیز، ۱۳۸۱: ۲۷۴ و شاه آبادی و سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۷۰). صرف نظر از تفاوت بازه زمانی مورد بحث با نظریات جدید اما نمایانیدن روشهای ستم بر زنان و استثمار آنها در جامعه مردسالار عصر صفوی، یکی از راه‌های مهم نمایانیدن فرودست کردن زنان است. به عبارت دیگر، فرودستی زنان طبیعی نیست بلکه به‌طور اجتماعی ساخته و به آن پرداخته می‌شود (حجازی، ۱۳۸۱: ۱۸). مصادیق نبود امنیت جنسی، شرایط اجتماعی آن عصر را بهتر مشخص و روشن می‌سازد؛ شرایطی که در آن شاه و حاکم و قاضی، زن و دختر افراد شکست خورده در جنگ‌ها را به تصرف درمی‌آوردند در این عرصات تجاوزات بدیهی است که زنان اقلیت‌های مذهبی و قومی نیز گرفتار هوسرانی و زیاده‌طلبی‌های مردان می‌شدند (حجازی، ۱۳۸۱: ۱۴۳)

جهانگرد و سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس صفوی در گزارش‌های خود بیان می‌کند که،

شاه عباس اول در لشکرکشی‌های خود گروهی از روسپیان را با خود همراه می‌ساخته و در مواقع عادی نیز - با رعایت مقرراتی - جز در اردبیل آرامگاه جدش - در دیگر شهرهای ایران آنان را در کار ناشایست خود آزاد می‌گذاشته و از آنها مالیات می‌گرفته است (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۰۹)

از میان اصناف دوره صفویه، مشعلدارباشی به دلیل اهمیت شغل و درآمد بیش‌تری که نسبت به دیگر مشاغل داشت از سالها پیش نظارت بر اماکن فساد، و خانه‌هایی که روسپیان در آن‌جا خودفروشی می‌کردند، همچنین مراکز تجمع نوازندگان، خوانندگان، خیمه‌شب‌بازان، بندبازان، نقالان و قصه‌پردازان، و در کل همه افرادی که به این کارهای پست و ناسزاوار اشتغال داشتند، به او واگذار شده بود. در واقع او از آنها مالیات می‌گرفت و واضح است که از این منابع، چه درآمد سرشاری نصیبش می‌شد. البته مقدار درآمد وی آن‌گاه نمایان‌تر می‌شد که در گزارش‌ها ثبت شده است که شهر اصفهان یازده هزار یا دوازده هزار روسپی وجود دارد که نام خود را در دفاتر مربوط ثبت و مالیات می‌دادند. البته شاردن اشاره می‌کند

بیش از هزار و پانصد زن روسپی دیگر نام خود را در دفتر ثبت نکرده‌اند، و چون محرمانه به کار زشت خود اشتغال دارند مشعل‌دارباشی آنچه از ایشان می‌گیرد به نفع خود ضبط می‌کند، و چون غالب این زنان گروه اخیر الذکر خوب‌روی و پرمشتری هستند و نرخشان نیز گران است، تصور درآمد مشعل‌دارباشی آسان‌تر است (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۲۷/۳).

در واقع غیر از روسپیانی که نام خود را در دفاتر نظر مشعل‌دارباشی ثبت می‌کردند، گروهی دیگر نام خود را در دفاتر مالیاتی ثبت نکرده‌اند تا خود را خصوصی نشان دهند. طبق قوانین موجود روسپیان هر سال معادل دویست هزار اکو مالیات پرداخت می‌کنند. اما شاردن اشاره می‌کند که روسپیان اصفهان هر سال هشت هزار تومان مالیات می‌دادند، که این مبلغ معادل سیصد و شصت هزار لیور می‌باشد (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۴۷۱/۴). بعضی از این زن‌ها از محله قحبه‌ها - زنهای عمومی - انتخاب می‌شدند. جمعی از زنهای عمومی در کار خود رسمیت داشتند و سالانه مبلغی به عنوان مالیات به صندوق دولت پرداخت می‌کردند. اینان در اصفهان «بازار نوش» نامیده می‌شدند (کارری، ۱۳۴۸: ۱۳۱). مالیات از اماکن فسق و فجور و عیش و عشرت، بخش اعظمی از درآمد دربار صفویه را بر می‌گیرد. شاه عباس اول به دلیل

این که نجس و ناپاکی این درآمدها از راه روابط نامشروع در اماکن فساد فراهم شده دستور داد که این پول‌ها را به مصارفی برسانند که از آتش بگذرد تا پاک شود. به همین دلیل هزینه مخارج روشن کردن مشعل‌ها و چراغانی‌ها و آتشبازی‌هایی که در حضور شاه و در مراسم‌ها انجام می‌شد از این راه مصرف می‌شد (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۳۶). به واسطه ابهام و نیمه تاریک تاریخ زنان، منابع تاریخی از لایه‌های درونی و روانی روسپیان، کم‌تر سخن گفته‌اند. بنابراین نمی‌توان عوامل متعددی که امروزه در مطالعات جامعه‌شناسی، برای اهداف و انگیزه‌های روسپیگری انجام شده است را در مطالعات تاریخی به سهولت بررسی نمود اما در مورد تأمین معاش و امر اقتصادی که از مهمترین عوامل روسپیگری بوده است، به صراحت بیشتری می‌توان یاد کرد.

۹. نتیجه‌گیری

از حیث تاریخ اجتماعی این دوره باید گفت؛ روسپیگری در عصر صفوی به جز اردبیل که از حیث مقبره شیخ صفی و پایگاه معنوی برای صفویان مکانی مقدس بوده در اغلب شهرهای ایران محلات و خانه‌های روسپیگری وجود داشته اما کثرت این امر در اصفهان پایتخت، به مراتب بیشتر بوده و در این شهر، خانه‌های فساد در محلات و کوچه‌ها و خیابان‌های به وفور و سهولت در دسترس قرار داشته است. پدیده‌های شهری بوده است با شواهد تاریخی می‌توان این پدیده اجتماعی را عمدتاً شامل طبقات اجتماعی پائین دانست. گرچه آمار از تعداد روسپیان این دوره نمی‌توان ارائه داد اما ناگفته پیداست که جز روسپیان که دارای تمکن مالی یا از زیبایی و جاذبه و قدرت زنانگی خاصی برخوردار بوده‌اند، مابقی آنها چندان به شمار درنیامده و ارزش و پایگاه اجتماعی نداشته‌اند. در جامعه عصر صفوی روسپیان با نوع حرکات، آویختن تزئینات و نوع رفتار و اطوار، حتی در لفافه لباس نیز خود را متمایز می‌کردند اما در برخی ادوار به ویژه از عهد شاه صفی و شاه عباس دوم تا آخر صفویان، و مخصوصاً در محلات شهری، نشان تشخیص آشکارتر و بی‌پروا تر بوده است. تعریف روسپی براساس اقتصاد و پول در عصر صفوی صرفاً امری شخصی نبود؛ در یکطرف موضوع، زنانی بودند که به دنبال کسب درآمد و معیشت، تن به روسپی‌گری داده‌اند و طرف دیگر قوادان و دلالان و مهمتر از همه دولت صفوی بود که از محل درآمد مالیات روسپیان، سود سرشاری می‌برد. در واقع زمینه‌های روسپیگری هم به

امور اقتصاد خرد و هم کلان دولت در این زمان منوط است. هزاران روسپی که نام خود را در دفاتر دولتی ثبت و مالیات می‌داند و نیز عده بی‌شمار دیگر که غیرمستقیم منشاء درآمد مأموران دولتی می‌شدند، چرخه اقتصادی این ناهنجاری اجتماعی را تکمیل می‌کردند. در واقع گویی دولت و ماموران دولتی خود نیز در حفظ و گسترش آن سهم بوده‌اند. گرداگرد فعالیت روسپیان و فعل خاص تنفروشی، مشاغلی چون رقصندگی روسپیان، قوادی و دلالی و خدمت آنها به مهمانان وجود داشت که از آشکارا از اراده و میل نظام مردسالارانه بر می‌خواست.

با وجود انزجار و نفرت رایج و عمومی از فعل روسپیگری اما میزان احترام یا بی‌احترامی و منزلت اجتماعی زنان روسپی در دوره صفوی غیرقابل پیش‌بینی بود. گویی هر جا که میل و عطش جنسی در ساختار اجتماعی و مخصوصاً سیاسی وجود داشت، رواج روسپی‌گری افزون و لجام گسیخته بود و قوانین شرعی نیز نمی‌توانست مانعی به حساب آید و انگهی رسم صیغه یا متعه، کارکردی دوگانه داشت که به جای حفظ و صیانت از زنان، بر علاقه مندی و دسترسی راحت تر به زنان به روسپیگری می‌افزود. در برهه‌هایی میزان دسترسی و سهولت به کامجویی از زنان در قالب متعه و صیغه، کنیز و تعدد زوجات بر نوع حیات اجتماعی و جایگاه روسپیان موثر واقع می‌شد که حکایت از طیف وسیع و متنوعی از فعالیت‌های جنسی در این دوره است. این امر و در ارتباط با تاریخ واپسین عصر صفوی بنا به گزارش‌های ارائه شده بیشتر و لجام گسیخته‌تر شد. گاه در این معادله زنان روسپی به طرز غیرمنتظره‌ای جایگاه و منزلت و محترمانه‌ای می‌یافتند. عکس این قضیه هم بود که زندگی اجتماعی روسپیان با برهم خوردن میل جنسی پادشاه و قبول محدودیت‌های فقهی - مذهبی، یا در تلافی و کشاکش حوادث سیاسی، زنان روسپی، به شدت مورد بی‌احترامی قرار می‌گرفتند. با وجود آنکه از راه جوانمردی و دادن توبه روسپیان سعی در متعه نمودن و شرعی نمودن این روند می‌نمودند اما همچنان سهم بی‌مبالاتی و نامشروع در این موضوع، بیشتر از راه‌های شرعی بوده است. در واقع میزان سختگیری یا رواج روسپیگری در عصر صفوی غیر از منع دینی و اخلاقی، تابع صفات و احوال پادشاهان بود که همچنان از اراده مردسالارانه برمی‌خواست. در بعد اقتصادی، نظر به میزان مالیات‌دهی و ایجاد درآمد اقتصادی زنان روسپی، آرج و قرب آنها برای دربار و صیانت از عملکرد آنها افزوده می‌شد. اگرچه اخلاق جنسی پادشاه را نمی‌توان به همه زنان دربار صفوی تسری داد اما به نظر می‌رسد بنا به توجه و کانون‌محوری دربار و رفتارهای

سیاسی و اجتماعی آن، به طور کلی در رواج و تثبیت پدیده روسپیگری نقش موثری داشته است. رقصندگان دربار که عمدتاً روسپیان زن بودند و در مهمانی و سفر، پادشاه را همراهی می کردند، همراه با اراده غالب شاه در بخشیدن و جابجایی زنان حرم و سهل الوصولی زنان، حتی میل به نفوذ و راه یابی زنان به دربار برای مطامع مختلف، موضوع روسپیگری را به موازات اخلاق جنسی دوره مذکور تسهیل می نمود. اگر به اطراف دربار، یعنی حاکمان و دیگر دولتیان اشاره شود، شعاع این امر بیشتر و وسیع تر خواهد بود. منزلت اجتماعی و پایگاه روسپیان، علیرغم وقوف عمومی به قبح اخلاقی این کار یکسان نبوده و گاه حتی پادشاهان و بزرگان صفوی بنا به زیبایی و دلدادگی به زنان روسپی آرج و قرب و احترامی خارج از انتظار برای آنها قائل شده‌اند.

در قرائت نظام مردسالارانه عصر صفوی از لفظ روسپی و صرفاً گناهکار دانستن آن همین بس که باوجود میل و عطش فراوان نسبت به روسپیان و علاقه‌مندی اغلب گروه‌ها و طبقات اجتماعی به کامجویی از روسپیان، اطلاق نام روسپی یا هرزه، حتی برای دلدادگان این ماجرا مشمئزکننده تلقی شده است. به نظر می‌رسد؛ صفویان با وجود اهمیت فراوان در هنر و برخی وجوه تمدنی، درباره اصلاح در پدیده ناهنجار روسپیگری، کارنامه چندان درخشانی ندارد و اینکه میراث آنها در این زمینه چگونه در بافت و ذهن جامعه ایرانی رواج یافت و باقی ماند خود می‌تواند موضوعی مجزا و قابل اهمیت باشد.

کتابنامه

- آصف، محمد هاشم (۱۳۵۷)، رستم التواریخ، تصحیح و تحشیه محمد مشیری، تهران: جیبی.
- ابن بزار، توکل بن اسماعیل (۱۳۷۶)، صفوه الصفا، مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زریاب.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: سمت.
- احمدی، نزهت (1394)، «بازتاب زندگی اجتماعی زنان عصر صفوی در سفینه فطرت» تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء، سال ۲۵، ش ۱۶.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۶۳)، سفرنامه آدام اولثاریوس، مترجم احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- باستانی، سوسن، موسی نژاد، پریسا (۱۳۹۲)، «هویت جنسیتی مردان و زنان در کلان شهر تهران» مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۱۱، ش ۲.

- برهانی، محسن (۱۳۸۸)، سیاست کیفری ایران در قبال روسپیگری، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۲، ش ۴۵.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: موسسه کیهان.
- پهلوان نژاد، محمدرضا (۱۳۸۶)، «ارتباطات غیر کلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی»، زبان و زبان‌شناسی، ش ۶.
- تانگ، رزمی (۱۳۹۴)، درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، مترجم: منیژه نجم عراقی، تهران: نی جانسون، چالمرز (۱۳۶۳)، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر.
- جنکیز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یار احمدی، تهران: شیرازه.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۱)، بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی، تهران: قصیده سرا.
- داغستانی، علیقلی‌واله (۱۳۸۴)، تذکره ریاض الشعرا، تصحیح سید محسن ناجی نصر آبادی، جلد ۳، تهران: اساطیر.
- دلاواله، پیتر (۱۳۸۰)، سفرنامه دلاواله، ترجمه محمود بهفروزی، جلد ۲، تهران: قطره.
- دنیاری، سکینه (۱۳۹۴)، «وضعیت اجتماعی زنان در دوره صفویه با تکیه بر دیدگاه سفرنامه‌نویسان»، جندی شاپور، سال ۱، ش ۳.
- ذکایی، محمد سعید، امن پور، مریم (۱۳۹۱)، درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران، تهران: تیسرا.
- رستمی، فاطمه، قنواتی، مهدی (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی عملکرد شاهان صفویه در مقابله با منکرات»، جستارهای تاریخی، سال ۷، ش ۱.
- روملو، حسن (۱۳۸۴)، أحسن التواریخ، مصحح عبدالحسین نوایی، جلد ۲، تهران: اساطیر.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی "جامعه‌شناسی انحرافات"، تهران: آوای نور.
- سفرنامه برادران شرلی (1357)، ترجمه آوانس، تهران: منوچهری.
- سفرنامه سانسون (۱۳۴۶)، ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.
- سفرنامه ونیزیان در ایران (۱۳۸۱)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- سمیعا، میرزا (۱۳۳۴)، تذکره الملوک: سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، مترجم اقبال یغمایی، جلد ۱-۵ توس: تهران.
- شاه آبادی، زارع، سلیمانی، زکيه (۱۳۹۰)، «تبيين دوگانگی تصورات قالبی جنسیتی از نظر دانشمندان»، رفاه اجتماعی، ش ۴۱.

تبیین رویکرد جامعه و علل رواج ... (شهاب شهیدانی و دیگران) ۱۰۱

شکر بیگی، عالی، قزوینه، ژیل (۱۳۹۶)، «روسیگری زنان»، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۱۵، ش ۳.

شیخ بهایی، محمد بن حسین عاملی (۱۳۱۲)، جامع عباسی، اصفهان، حسب الامر نظام السلطنه.

صدری افشار، غلامحسین (۱۳۹۴)، فرهنگ مشاغل سنتی، تهران: آگه.

طاهر، حکیمه (۱۳۹۸)، جنسیت و قدرت در دیوارنگاره‌های صفوی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

فرجاد، محمد حسین (۱۳۸۸)، آسیب‌های اجتماعی کودکان خیابانی، دختران فراری، زنان روسپی، تهران: علم.

فلور، ویلم (۲۰۱۰)، تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران، ترجمه مینو خرد، بی جا: فردوسی.

فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا، تهران: نو.

قلی زاده، آذر (۱۳۸۳)، «نگاهی جامعه‌شناختی به موقعیت زنان در عصر صفویه» زن در توسعه و سیاست، دوره ۲، ش ۲.

قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹) خلاصه التواریخ، به تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.

کارری، جووانی فرانچسکو (۱۳۴۸)، سفرنامه کارری، مترجم عباس نخجوانی، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

کاظمی، مرضیه (۱۳۹۵)، «بررسی علل و پیامدهای گسترش فحشا در دوره صفویه» تاریخ‌روایی، سال ۱، ش ۱.

کربلایی، علی بن حسین (بی تا)، عقد الکساء فی فقه النساء (نسخه خطی)، شماره ۵۶۹۵، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، سفرنامه کمپفر در دربار شاهنشاه ایران، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.

کوزر، لوئیس، روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی

گسمونی، فاطمه (۱۳۹۵)، «وضعیت اقتصادی زنان در عهد صفویه از منظر سفرنامه نویسان خارجی» فرهنگ پژوهش، ش ۲۵.

لکه‌هارت، لارنس (۱۳۴۳)، انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران: مترجم.

لوفت، پاول (۱۳۸۰)، ایران در عهد شاه عباس دوم، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: وزارت امور خارجه.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی تا)، *صیغ العقود و النکاح* (نسخه خطی)، شماره ۵-۱۴۴۸۸، کتابخانه ملی.

محمدی اصل، عباس (۱۳۹۶)، *برساخت اجتماعی جنسیت*، تهران: گل آذین.

محمدی اصل، عباس (۱۳۹۸)، *جنسیت و آگاهی تاریخی*، تهران: گل آذین.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، *از جنبش تا نظریه: تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران: شیرازه.

مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۵)، *جامعه شناسی روسپیگری - بررسی آسیب های اجتماعی*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

منجم، ملا جلال الدین (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، به کوشش سیف الله وحیدنیا، تهران: وحید.

واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲)، *خلدبرین: ایران در روزگار صفویان*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.

ویلسون، الیزابت (۱۳۹۴)، *مد و مدرنیته*، مترجم ناصرالدین غراب، تهران: علمی و فرهنگی.

هربرت، موریس (۱۳۹۷)، *سفرنامه سفارت محمدرضا بیگ از ایران به فرانسه (در زمان شاه سلطان حسین صفوی و حضور در دربار لویی چهاردهم ۱۷۱۴-۱۷۱۵ میلادی)*، ترجمه حسب دستور علیقلی خان بختیاری سردار اسعد، پژوهش و تصحیح سید مهدی سید قطبی، قم: مجمع ذخائر اسلامی.

هنسن، جوزف و ایولین رید و ماری آلیس واترز (۱۳۹۷)، *آرایش، مد و بهره کشی از زنان*، مترجم افشنگ مقصودی، تهران: گل آذین.

bhushan. B.(1994). Dictionary of sociology. New delhi, anmol.

ferrier, r. w.(1998). Women in safavid iran: the evidence of European travelers, in g.r. hambly (ed) Women in the medieval Islamic world: power patronage and piety new York: st. martin's press.

Foucault, m.(1979). Discipline and punish: the birth of the prison. New York: vintage/random house.

lauer, r.(2006). Social problems and the quality of life. Ed new York: mc graw hill.

liu, m.(2012). Chinese migrant women in the sex industry: exploring their paths to prostitution, journal of feminist criminology, vol 7, no 4.

morali-danino, a.(1978). Sociologie des relations sexuelles . paris: p.u.F.

moulder, f.(2000). Social problems Belmont: wadsworth.

perkins, r. (1991). Working girls. Canberra: Australian institute of criminology.

Pilcher, jane, whelehan, imelda(2004), 50 key concepts in gender studies, sage, india

تبیین رویکرد جامعه و علل رواج ... (شهاب شهیدانی و دیگران) ۱۰۳

- Radolf, Justin D. & Edmund C. Tramont, & Juan C. Salazar (2015).
“Syphilis (Treponema Pallidum)”. Mandell, Douglas, and Bennett’s
Principles and Practice of Infectious Diseases. edited by John E. Bennett,
Raphael Dolin, and Martin J. Blaser. 8 edit ion. Philadelphia.
Schaefer, f.t.& lamm, r. p.(1992). Sociology. New york: mcgraw-hill.
thio, a. (1998). Deviant behavior. New York: longman.
Turner,j.(1999). The structure of sociological theory. Belmont, ca: wadsworth

